

«بی‌مادر» بهترین فیلم آسیایی جشنواره بنگلور

فیلم سینمایی «بی‌مادر» ساخته مرتضی فاطمی از چهاردهمین دوره جشنواره بنگلور جایزه گرفت.

نخستین ساخته بلند مرتضی فاطمی به تهیه‌کنندگی محمدرضا مصباح و علی اوجی در چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم بنگلور جایزه بهترین فیلم بخش مسابقه آسیایی را دریافت کرد. این جایزه به طور مشترک به فیلم‌های بی‌مادر از ایران و «قبل، اینک و بعد» ساخته کامیلا آن دینی

« در گفت‌وگو با «جام جم»:

باید نفس کشید

ن سرزمین آشنا شود

ت‌های مختلفی به جز فیلمنامه. در شهر زیبا هم با این روش تمرین می‌کردید؟

چنین روشی داشت اما درباره نقش من و سکانس‌های کمی که داشتیم اجرا نشد. شاید این‌که من به نقش نزدیک‌تر بودم، تمرین‌هایی که داشتیم در حد فوکوس و هماهنگی با دنیا و با این حال جالب است که هنوز هم بعد از این همه سال، بعضی تماشاگران سینما نقش مربی کانون اصلاح و تربیت می‌شناسند. باز جالب است اشاره کنم که هم در فیلم زیبا و هم دعوت، پیشهاد سیگار کشیدن کاراکترهای مربی کانون و منصور با من بود و تا تر این‌که در دعوت چون بلد نبودم سیگار بکشم، سرم گیج رفت و با این هیکل افتادم! (خندد)

یکی از شاه‌نقش‌های شما در سینما نقش حر در رستاخیز است. ا‌جفاف زیادی به فیلم‌تان شد و درنهایت هم بعد از چند سال نسخه غیرقانونی آن منتشر شد. اتفاقی که باعث محمت عوامل از خود احمد رضا درویش تا بازیگران از جمله شما آنچنان که باید دیده ... حرف‌نا گفته‌ای درباره این فیلم و نقش دارید؟ هرچند می‌دانم مزدتان را برای این فیلم بگیری حساب کردید.

همین‌طور است. آقای درویش و همه عوامل در

ترین شرایط آب و هوایی با جان و دل و برای این فیلم کار کردند و زحمت‌ند و واقعا حیف، انطور که باید نشد. درباره نقش من هم بعضی‌تند چندان بازی سخت و ویژه‌ای ت و شاید با همین نگاه هم روی جشنواره فیلم فجر با آن‌د شد اما واقعیت این نیست برای این نقش طراحی داشتم ن و انرژی گذاشتم. مثل نقش گ ایرج نصرت‌زاد در غریب وجود کوتاهی‌نقش، شش‌رای آن وقت گذاشتم و با گریم بیت زندگی کردم و در خانه‌مین عکس شهید را گذاشته‌م. با این‌که از زمان تست گریم در ماه‌تا زمان فیلمبرداری نقش‌اصله زیادی بود اما ترجیح برای نزدیک‌تر شدن به ... همه این زمان را با شهید نصرت‌زاد سرحتی با علم به نمی‌توانستم هیچ پروژه



(برنده جایزه خرس نقره‌ای از جشنواره برلین) اهدا شد.

جشنواره بین‌المللی فیلم بنگلور که از ۲۲ تا ۳۰ مارس برگزار شد، از جشنواره‌های رقابتی بین‌المللی با تمرکز خاص تقویم فیاف است که در بخش اصلی بر رقابت فیلم‌های آسیایی متمرکز است و در این دوره در بخش نمایشی فیلم‌هایی همچون «همه چیز، همه جا و به یکباره»، «آرژانتین ۱۹۸۵»، «نهنگ» دارن آرنوفسکی هم به نمایش درآمدند و در بخش

رقابتی ۱۴ فیلم از جمله «جنگ جهانی سوم»، «شهربانو» و «بی‌مادر» از ایران حضور داشتند که «بی‌مادر» برنده جایزه بهترین فیلم و جایزه نقدی پنج میلیون روپیه‌ای (۶۰ هزار دلاری) این رقابت شد. در این فیلم امیرآقای، میترا حجار، پژمان جمشیدی، پردیس بورعابدینی، علی اوجی، بیتا عزیز، سارا محمدی و فاطمه میرزایی ایفای نقش کرده‌اند.



ظاهر موجود است اما تابه حال آن رانشینده‌ام. خیلی تلاش کردم که از طریق خود گروه تولید از جمله آقای حامد عنقا اصل این پیام را که شهید نصرت‌زاد بایست پیسم مخابره کرده، بشنوم اما پیدا نشد و نشنیدم.

۱] برای بازی در این نقش با خانواده شهید هم ارتباط داشتید؟ نه.

۲] دوست دارید که این اتفاق بیافتد و نظر خانواده نصرت‌زاد را درباره بازی‌تان بدانید؟

بله، حتما. با افتخار، چه از این بهتر. البته جالب است بدانید که خودم هنوز فیلم غریب را ندیده‌ام! چون آن زمان مشغول داوری جشنواره تئاتر فجر بودم و بعد هم شبکاری داشتم و فرصتی پیش نیامد. یک نکته قابل اشاره دیگر درباره نقش شهید نصرت‌زاد این‌که آقای لطیفی برای بازی این کاراکتر، چندان دنبال شباهت چهره بازیگر با شخصیت واقعی نبود و بیشتر روی شباهت تفکر و اندیشه و شخصیت پردازی تأکید داشت.

۳] حتما یکی از دلایل پذیرش نقش، همکاری‌های خوب قبلی بود که با محمدحسین لطیفی داشتید از نقش خرچنگ سریال وفا تا نزدبام آسمان و سر دلبران و...

قطعا. واقعیت این‌که آقای لطیفی از کارگردان‌های خوب سینما و تلویزیون ماست که لحظات خوبی برای خلافت بازیگران و آن بازیگری ایجاد می‌کند. ایشان خیلی با بازیگر راحت است به ویژه وقتی بازیگرش ریفقی مثل من باشد. (می‌خندد) آقای لطیفی جزو آن دسته از دوستان صمیمی و دوست‌داشتنی من است که کارهای ماندگاری هم می‌سازد. خوشحالم که تا اینجا حدود شش

هفت همکاری خوب سینمایی

و تلویزیونی با آقای لطیفی داشته‌ام. من در سینما بازیگر فعالی بودم و بخشی از تماشاگران مرا می‌شناختند اما معرفی‌ام به طیف بیشتری از مخاطبان در تلویزیون و با بازی در نقش آرمان نیکونظر (خرچنگ) سریال وفا به کارگردانی آقای لطیفی اتفاق افتاد. ضمن این‌که قرار بود همکاری من و آقای لطیفی در سینما بیشتر از اینها باشد و زودتر رخ دهد که بنا به دلایلی به تعویق افتاد از جمله در خوابگاه دختران که نقش قیاد به من پیشنهاد

شد اما گفتند چون چهره‌ات شیرین است، درنهایت حضورم در آن نقش منتفی شد. برای بازی در روز سوم هم دعوت شدم که به دلیل حضور همزمان در یک کار تصویری و نمایش مرگ و شاعر، نتوانستم در آن فیلم بازی کنم اما آقای لطیفی لطف داشت و از عکس من در نمایی از فیلم استفاده کرد. ولی سرانجام توانستم در سینما در فیلم‌های اسب سفید پادشاه و غریب در خدمت آقای لطیفی باشم.

۴] با این‌که قصه غریب به اوایل دوران انقلاب برمی‌گردد اما انگار حرف روزهای زند و بحث آشتی و وحدت ملی و نزدیکی طیف‌های مختلف سیاسی و جناحی را مطرح می‌کند. فکر می‌کنید ساخت و نمایش فیلم‌های اینجینی جقدر می‌تواند برای ایجاد وحدت در جامعه موثر باشد؟ به‌ویژه برای نسل جوان که شاید شناخت چندان‌ی از انقلاب و دفاع مقدس و قهرمان‌ها و اهداف آن ندارد.

حتما تأثیر دارد. نسل جوان ما باید با تاریخ این سرزمین آشنا باشد و چه بهتر که این شناخت از طریق سینما و ادبیات باشد. جوان‌ها باید بدانند در مقطعی چه کسانی برای حفظ این آب و خاک تلاش و از خودگذشتگی کردند. باید به جای تفکیک و تقسیم‌بندی افراد، به فکر حفظ مملکت بود. آدمی مثل نصرت‌زاد باز نرفته بود اما دوباره برای حفظ وطن به جنگ می‌رود. برای همین آنچه بیشتر از همه برای انتقال به مردم و به‌خصوص جوان‌ها اهمیت دارد؛ گفتن از هویت تاریخی است. یکی از مهم‌ترین این راه‌ها، ساخت درست فیلم‌هایی است که حق مطلب را در این‌باره ادا کند. فیلم‌های مربوط به جنگ و دفاع مقدس، حتما باید از شعارزدگی دور باشد تا تأثیر لازم را بر نسل جوان بگذارد. ما باید هر روز در فرهنگ دفاع مقدس نفس بکشیم. نسل جوان باید با این فرهنگ آشنا شود و با چنین پشتوانه‌ای آینده را تحویل اودهم‌ها بایند قرار است چه کند و سوار موج رسانه‌ای نشود.

روز می‌شناسد. در لحظات رفتن به داخل آب رودخانه و برداشتن قرآن کوچک و بوسیدن آن و گذاشتن داخل جیب، هم سعی کردم اجرا و شبیه

بازی‌ام طوری باشد که قالب نقش به مخاطب هم گیر کند و ضمن

معرفی بهتر شخصیت شهید نصرت‌زاد، تأثیر لازم را هم بگذارد.

به‌جز تأیید و صلاحدید و هدایت کارگردان، هنگام بازی در چنین

نقش‌های خاصی، چیزهایی هم از بالا به بازیگر می‌رسد. برای

همین به جوان‌ها و علاقه‌مندان بازیگری می‌گویم کمیت و

اندازه نقش اهمیت ندارد، مهم این است که چقدر در کل

فیلم تأثیر بگذارد. در فیلم بهشت تپه‌کاران ساخته آقای

مسعود جعفری جوزانی هم نقش خیلی کوتاهی دارم

که به نظرم به اندازه بود و نتیجه خوبی داشت. حتی

وقتی آقای جوزانی پیشنهاد اضافه کردن نقش را

مطرح کرد، گفتم آقا به نظرم اندازه این آدم در فیلم

همین‌قدر است و تأثیر لازم را می‌گذارد. در این فیلم

نقش لطفاً... ترفی از روزنامه‌نگاران خیلی معروف

سال‌ها دور بازی کردم.

۴] به‌جز شناخت خوب شما از کاراکتر و

پیشینه‌ادات‌تان به عنوان بازیگر، متن خوب

فیلمنامه و هدایت درست کارگردان هم منجر به

جذابیت و ماندگاری نقش کوتاه شهید نصرت‌زاد

شده است، از جمله بحث کوک نبودن ساعت و آن

الکشترو...‌

آن الکشترو هم متعلق به خودم است.

(می‌خندد)

۴] دیالوگ «من سرهنگ ستاد ایرج

نصرت‌زاد، جانم فدای ایران...» که می‌گوید

برگرفته از کلام اصلی نصرت‌زاد است.

صدای واقعی ایشان را با این کلمات

شنیدید؟ این صدا موجود است؟

سینما

C I N E M A

سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ ■ شماره ۶۴۵۷

محت

مرد خاکستری آثار حاتمی‌کیا

یکی از نکات جالب کارنامه قاتمیان این است که هر سه نقش او در فیلم‌های حاتمی‌کیا فارغ از متفاوت بودن بیشتر سویه تاریک داشتند و به عبارتی نقش منفی محسوب می‌شدند. وقتی از او می‌پرسیم چرا حاتمی‌کیا فقط نقش منفی به شما پیشنهاد می‌دهد، می‌خندد و می‌گوید: با احترام به اشاره شما، به نظرم بهتر است به جای کلمه‌های مثبت و منفی از عبارت‌های

قهرمان و ضدقهرمان استفاده کنیم که هرکدام به سهم خود نقش مهمی در پیشبرد داستان دارند و مکمل همدیگر در درام هستند. ضمن این‌که آقای حاتمی‌کیا یک بار نقش مکمل با ویژگی‌های مثبت و قهرمانانه هم به من پیشنهاد داد اما خودم نقش دیگری را انتخاب کردم. ایشان برای فیلم بادبگارد ابتدا نقش اشرفی، رئیس حیدر را به من پیشنهاد داد. فردای پیشنهاد با چند موردی که درباره فیلمنامه نوشته بودم به دفتر آقای حاتمی‌کیا رفتم. همین‌جا اشاره‌کنم که ایشان هم خیلی به من لطف دارد و خارج از سینما به من می‌گوید تو برادر من هستی. وقتی از من پرسید نقش اشرفی چطور بود، گفتم آقا من این نقش را بازی نمی‌کنم.

گفت یعنی چه؟ گفتم من نقش قیصری، مامور اطلاعات را بازی می‌کنم. گفت این‌که نقش کوتاهی است. گفتم

تعارف که نداریم. البته من این نقش را روی ویلچر

بازی می‌کنم. آقای حاتمی‌کیا از این پیشنهاد

من سر ذوق آمد و گفت عالی است. اما کمی

بعد گفت ولی تو باید نقش اشرفی را بازی کنی!

من هم به شوخی و در یک فضای دوستانه

گفتم یا نقش قیصری را بازی می‌کنم یا اصلا

در این فیلم بازی نمی‌کنم. آقای حاتمی‌کیا

گفت اما هر بازیگری بیاید و این نقش را بازی

کند، من نشستن او روی ویلچر را اعمال

می‌کنم. گفتم نه این‌که هیچ‌کس نتواند

این نقش را بازی کند، نه اما این نقش را

من بازی خواهم کرد، آن هم روی ویلچر

برقی. همان لحظه‌ا جابلند شد و مرا بغل

کرد. پرویزخان پرستویی هم لطف داشت

و گفت آدم در هر نقشی می‌تواند به توتکیه

کند. خلاصه قرار شد من نقش قیصری را

بازی کنم اما آقای حاتمی‌کیا گفت ویلچر

نداریم که نقش را تست کنیم. گفتم یک

ماشین بدهید تا با یکی از دستیاران تدارک

برویم ویچر تهیه کنیم. مغازه‌های مختلفی

را در محدوده ولیعصر و جامی و حسن‌آباد

دیدیم و هیچ جایی ویلچری که می‌خواستیم را

پیدا نمی‌کردیم. در همین گشتن‌ها، در یک کوچه

باریکی مغازه‌ای پر از ویلچر پیدا کردم و به فروشنده

گفتم ویلچری اندازه من دارید بدهید. خندید و گفت

اجازه بده ببینم چه چیزی پیدا می‌کنم. رفت ویلچری آورد که

هنوز بایلون سنبل‌اش ناز شده بود. گفتم اجازه می‌دهید چند

دقیقه‌ای در همین کوچه روی ویلچر بنشینم و فیلم بگیریم؟

اجازه گرفتیم و شروع به حرکت با ویلچر کردم. وقتی دکمه ویلچر را

می‌زد، مثل بزکوهی می‌پریدا! به فروشنده گفتم ممکن است این

ویلچر را یک ماهه اجاره دهید؟ گفت به اعتبار خودت ببر و سالم

برگردان، هیچ پولی هم نمی‌خواهم. درنهایت از همین ویلچر در

فیلم استفاده شد. به‌نظرم هر سه نقشی که برای آقای حاتمی‌کیا

بازی کردم، چه قیصری را بادبگارد، چه شفق در به رنگ ارغوان

و چه منصور در دعوت با وجود سیاهی‌ها و نقاط تاریک، جاهایی

نقاط روشنی هم دارند. به‌ویژه همه آنها از نظر بازیگری، جالش

جذاب‌ی برای من بودند و موقع بازی در آنها حال خوبی داشتم.

مثلا در تحلیل نقش قیصری بادبگارد معتقد بودم که خود این

شخصیت، یک زمانی مثل حیدر دبیچی بود. برای همین به

نظرم از جنبه‌اصول و قاعده یک محافظ، حرف درستی می‌زند.

ولی از جدیت و قاطعیت او و پایبندی‌اش به اصول حرفه‌ای

به عنوان عنصری منفی تعبیر می‌شد، چون قهرمان قصه را

بازخواست می‌کرد. منصور در دعوت هم با وجود این‌که کمی

لغزش و خرده‌شیشه داشت اما به انسانیت معتقد بود و هرچند از

راه غلط اما وابستگی‌هایی به خانواده داشت. یا وابستگی عاطفی

شخصیتی چون شفق به دخترش در به رنگ ارغوان و هم‌وجه مثبتی

دارد که از آن سوی دنیا برای دیدارش به ایران می‌آید.

قاب



مشهورترین شاعر زن ایران

امروز سالروز درگذشت رخشنده اعتماسی معروف به

پروین اعتماسی، مشهورترین شاعر زن ایران است،

شاعری که به‌دلیل به کار بردن سبک شعری منظره

در شهرهایش معروف است. معنایین و معانی اشعار

او، توصیف‌کننده دل‌بستگی عمیق وی به خانواده،

استعداد و شوق فراوان او به آموختن دانش، روحیه

ظلم‌ستیزی و مخالفت با ستم و ستمگران، حمایت از

حقوق زنان و ابراز همدلی و همدردی با محرومان و

ستم‌دیدگان است. اعتماسی که از پیروان «جریان

شعر تفکیکی» است از دیدگاه طرز بیان مفاهیم و

معانی، بیشتر آثارش به‌صورت منظره و سؤال و جواب

است. در دیوان او بیش از ۷۰ نمونه منظره آمده که

وی را از این لحاظ در میان شاعران فارسی برجسته

کرده است. اعتماسی در بیان مقاصد خود از هنرهای

شخصیت‌بخشی، تخیل و تمثیل، با شیوایی کم‌نظیری

بسیار استفاده کرده است.

اجرای ۱۰ نمایش کودک

و نوجوان در تهران

همزمان با آغاز سال جدید ۱۰ اثر نمایشی کودک و

نوجوان در شش سالن نمایشی شهر تهران میزبان

مخاطبان و علاقه‌مندان به این حوزه تخصصی

تئاتر است. نمایش «مانتکو در سرزمین پادشاهی»

به نویسندگی نلی‌مک کاسلین و کارگردانی مهدی

خجستگی و نمایش «دونه برف آرزو» به نویسندگی

و کارگردانی ماندانا عبقری در تالار هنر روی صحنه می‌روند. در فرهنگسرای فردوس

نمایش «میمونه‌ها» نوشته محمدحسین داداش‌نیا و کارگردانی مریم اسکندری و نمایش

«من یک عروسکم» به نویسندگی مرضیه شریفی و کارگردانی فریضه عسگری اجرا خواهد

شد. در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نمایش «دنیای خیال انگیز من» نوشته

و کار بهناز مهدی‌خواه و نمایش «شاهزاده شامپیا» نوشته منوچهر اکبرلو و کار احسان

مجیدی روی صحنه است. نمایش شاد و موزیکال «کدو قلقله زن» به نویسندگی جواد

ذوالفقاری و شادی پورمهری و کارگردانی سحر پورفرج در سالن نمایش فرهنگسرای خانواده،

نمایش‌های «چمدان شگفت انگیز» و «گوزه عسل» نوشته و کارگردانی سینا نورایی در خانه

نمایش داو همچنین نمایش شاد و موزیکال «خرمشیر» به نویسندگی جواد ذوالفقاری و

کارگردانی مجتبی‌خمسه در سالن تئاتر المپیک روی صحنه هستند.